

کردستان

جنگ و صلح پيش از آنکه مفاهيمي انتزاعي و عمومي باشند،
بیانگر درجه معيني از رشد تضادها و حوادث سياسي مترتب بر آن است.

آغار مذاکرات "صلح" در کردستان علاوه بر آنکه پیام آور نکست مرجعین در سرکوب نظامی جنبش مقاومت است، واقعیت قدرت سیاسی جنبش و نیروهای اجتماعی موجود در کردستان را نشان میدهد، و "صلح و مذاکره" همچون "جنگ و مبارزه" علتی برای ارزیابی نیروهای مختلف اجتماعی میگردد.

جنگ و صلح پيش از آنکه مفاهيمي انتزاعي و عمومي باشد بیانگر درجه معيني از رشد تضادها و حوادث سياسي مترتب بر آن است. جنگ و صلح دو قطب تضاد از یک پدیده و دو راه حل مختلف برای حل تضادهای اجتماعی نیستند، بلکه وجود جنگ و یا صلح هر یک مبین وجود حد معيني از وحدت و برحسبکی تضادهای اجتماعی است.

در منازعات اجتماعی و در خاصاً طبقاتی آنچه مهم است حدیوان نیروها در پیسبرد مافعان است و نه "نیت" آنان. نه "طرحو" و "جنگجو" بودن آنها. "نیت" سرعت تغییر میکند، اعتراف به عجز و یا درک موضع قدرت پس از آنکه در ذات طرفین متخاصم باشد محصول جنگی - روندی است.

در مذاکرات حازی در کردستان از یکسو هستت حاکم ایران در حال حاضر بدلائل مختلف و منحلله عجز و زیونی در سرکوب جنبش، خواهان "صلح" با شرایط خودگردانی است، و از سوی دیگر، برخی از نیروهای سیاسی و اجتماعی بدلائل دیگر ایضا خواهان "صلح" با شرایط خودمختاری (با تعاریف خاص خویش) میباشد. آئین سیاسی در کردستان،

علاوه بر آنکه برای نیروهای متخاصم فرضی برای تحدید قوا است، و نیز بر مانورهای جنگی مانورهای دیپلماتیک را نیز افزوده است، نشان آنست که در طرفین متخاصم - خلق کرد و حکومت مرکزی - نیروهای مختلف، بدلائل

مختلف، خواهان نوعی "امنیت و آرامش" در منطقه میباشدند و آگاهانه و بانا آگاهانه توسط نمایندگان مستقیم و یا غیرمستقیم، سايشان، این نیاز را بیان میکنند.

زمینه های طبقاتی صلح

زمینه اجتماعی "صلح" یا تعریف مشخص از خودمختاری در بین بورژوازی و بخشهایی از خرده بورژوازی شهری کردستان مشاهده میشود. شهرها در کردستان بیش از آنکه مراکز صنعتی باشد، مراکز تجاری و اداری میباشد. نص حیات اقتصادی در دست بازاری و بورژوازی و اشرار مرفه خرده بورژوازی تجاری است. برای این بخش از بورژوازی "امنیت" و نه لزوماً صلح بزرگترین موهبت است. وجود تجارت ممانه عمده ترین وجه حیات اقتصادی، تجار بزرگ و کوچک را بر آن مدارد که برای تضمین گردش کالا از تهران، تبریز و کرمانشاه به شهرهای کردستان و از این شهرها به قضا و دهات و همچنین ارسال محصولات کشاورزی از روستا به شهرها و از آنجا به نقاط دیگر ایران خواهان برقراری امنیت باشند. برای این بخش "خودمختاری" بعنوان یک خواست ملی، بآدان اندازه اهمیت دارد که مانع گردش کالاها و سرمایه نگردد.

برای اینان که خود تولیدکننده مستقیم نیستند، داشتن روابط حسنه تجاری با آذربایجان، کرمانشاه و تهران یک ضرورت حیاتی است. و جنگ و ناامنی نه تنها باعث اشکال در خرید و فروش کالاها میگردد، بلکه استفاده از اعتبار سنتی بین تجار را نیز عملاً غیرممکن مینماید. این بخش شهرنشین از طریق شبکه های مختلف توزیع خویش - حمل و نقل

، دکانین، دستفروشان، و... نفس نسبتاً مهمی را در حیات اقتصادی کردستان بازی مینماید. اینان چه بطور مستقیم و چه بطور غیرمستقیم سنگینی جنبه خویش را بر حوادث - چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح نشان میدهند. در جریان جنگ، "سندج" که عمده ترین شهر کردستان است، حمایت "مردم" از پیشمرکه ها در مقایسه با دیگر شهرهای کردستان کمتر بود. سندج آخرین شهری بود که دوباره "آزاد" گردید. حتی در بین خودکردها، مسئله عدم حساسیت "سندجیها" نسبت به مسئله ملی زبانزد است. این امر بیش از آنکه ناشی از رغبت افراد باشد، ناشی از نحوه فعالیت عمده اقتصادی آنان یعنی تجارت میباشد.

وجود "معمدین محلی" - که عمدتاً نمایندگان بازاریان و فرهنگیان میباشد - در مذاکرات با فروهر، فشار مستقیم به شیخ عزالدین از طریق اعزام نمایندگان شهری به پیشوی و خلاصه فشار بر حزب دمکرات که بخش نسبتاً مهمی از بورژوازی و خرده بورژوازی را در حول خویش متشکل نموده است، بیانگر معنای مبارزات ملی و مفهوم آن در نزد این بخش از جامعه کردستان میباشد. اما شهرها، بهیچوجه در برگیرنده صرفاً نیروهای بالقوه صلح طلب نمیشوند. بخش عمده کارگران کارگاههای بزرگ و کوچک، روشفکران و کارمندان و دانش آموزان خواهان ادامه مبارزه در اشکال مختلف و تحقق یافتن شعار، دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان میباشد. این بخش از پیشمرکه ها و سئون فقرات کادرهای جنبش کردستان را تشکیل میدهند و بحاظ شرایط زندگی

اجتماعی و برخورداری از آگاهی‌های سیاسی، سازش‌ناپذیرترین بخش جنبش مقاومت را میسازند.

اما کمیت عمده‌ای که صلح با شرایط خودگردانی را اساساً مردود می‌شمارد، دهقانان و دیگر اقشار فقیر روستا نشین - کارگران فصلی، خوش‌نشینها و... می‌باشند. در نزد این بخش که عمده‌ترین منبع مبارزین بسمک را تشکیل می‌دهند، "خودگردانی" و یا صلح از آن نوع که فروهر مسلح آنست بکلی مردود است. اینان بدلائل مختلف مادی، درکشان از خودمختاری فراتر از آن است که هیئت "حسن نیت" دولت در پی برآوردن آن می‌باشد. در نزد اینان، خودگردانی یعنی ابقاء حکومت مرکزی و عوامل آن در کردستان، و یا حتی قدرت‌یابی مجدد فئودالها که اینبار در "مکتب قران" کرد آمده‌اند و از جانب ارتجاعی‌ترین محافظ هیئت حاکمه تقویت میشوند.

عرضه میکنند. شاید تعجب‌انگیز بنظر برسد اما بعکس افت قیمت زمین در نقاط مرکزی ایران، در کردستان قیمت زمین کشاورزی در طول جنگ و بعد از آن نه تنها پائین نیامده بلکه ترقی نیز پیدا نموده است. کشاورزان جز در دوران قاضی محمد هیچگاه در این حد به کار خود عشق نمیورزیدند.

نکته دیگر که باعث پیوستن خیل خرده مالکان به صفوف جنبش، و همکاری آنان با مخالفین صلح تحمیلی آقای فروهر است، مسئله قدرت‌یابی قدرتهای محلی - فئودالهای بزرگ - میباشد. همگی در روزنامه‌ها از قول نماینده "امام" در کردستان خواندیم که چمران به تسلیح فئودالها پرداخته است. اما تسلیح فئودالها علیه دهقانان با قدرت‌یابی چمران آغاز نگردید، بلکه اولین یاد در زمان وزارت قهرنی و در آغاز "بهار آزادی"، اینان با همکاری

زمینه‌های سیاسی صلح

تصویر فوق بدون ارائه یک تصویر سیاسی از چگونگی و نقش نیروهای سیاسی در جریان مذاکرات، کامل نخواهد بود. تمایل طبقات همیشه بطور بلافاصله و به تنهایی عمل نمی‌نمایند. عوامل مختلفی چون سنت، ایدئولوژی غالب، جوعومی... و حتی تضادات در شکل گیری مبارزات طبقاتی موثر می‌باشند. در چنین تصویری، سازمانهای سیاسی فعال در کردستان در جریان صلح کمابیس در ادامه همان خط می‌کشیدند طول جنگ دنبال می‌نمودند کام برداشتن (مسئله‌ای که در مقاله "یادداشت‌هایی درباره جنگ مقاومت" از آن یاد نموده ایم). خلاصه آنکه اگر اختلافات درونی حزب دمکرات وجود نداشت، حزب دمکرات با توجه به ساخت درونی اش

کمیت عمده‌ای که صلح با شرایط «خودگردانی» در کردستان را اساساً مردود می‌شمارد، دهقانان و دیگر اقشار فقیر روستا نشین - کارگران فصلی، خوش‌نشینها و... می‌باشند.

در نزد حکومت مرکزی - خودگردانی چیزی جز امکان قدرت‌یابی زورگویان و فئودالهای محلی و پایمال شدن منافع ملی و طبقاتی آنان نیست.

بآسانی می‌توانست با حکومت مرکزی رذر سازش درآید و خودگردانی پیشنهادی آقایان را با مختصر تعدیلاتی بپذیرد. حزب دمکرات امروزه عمدتاً بعلت این اختلافات است که موضع نسبتاً رادیکالتری را انتخاب می‌نماید و بجای آنکه به صلح آقایان تن دردهد "خودگردانی" را "سرگردانی" ملت کرد توصیف می‌نماید. در حقیقت پذیرش تنزل مقام از ریاست هیئت نمایندگی خلق کردیه سخت‌گوشی نیست از جانب قاسم - مسئله‌ای که قبل از روشن شدن عمق اختلافات جناح‌های حزبی امری محال بنظر میرسید - نماینده مائو یک جناح در مقابل جناح دیگر حزب دمکرات است. قاسم دریافته بود که نه دوستان توده‌ایش، و نه "جناح صلح طلب هیئت حاکمه" هیچکدام حاضر به تن دادن به حداقل خواسته‌های

دولت مرکزی و قیاده موقت برای تصاحب مجدد زمینهای "شروع" خویش صلح شدند. با تشدید سرکوب در ۲۸ مرداد ۵۸ فئودالها قدرت مجددی یافتند، ترس از این قدرت‌یابی بود که مالکان کوچک بعد از اصلاحات ارضی راه نیروهای بسمک تبدیل شدند. اینان که عمدتاً در روستاهای نزدیک به شهرها ساکن هستند، در فتح مجدد شهرها نقش نسبتاً مهمی را داشتند و امروزه در کنار بخش دیگر مالکان کوچک یا دهقانان در خیل جمعیت روستا نشین علیه تجاوزات و تمهیدات حکومت مرکزی، که روزی بصورت تهاجم و روز دیگر بشکل "عطوفت" می‌باشد در حال مصافحه در نزد اینان، خودگردانی چیزی جز امکان قدرت‌یابی زورگویان و فئودالهای محلی و پایمال شدن منافع ملی و طبقاتی آنان نیست.

برای این بخش عظیم مردم کردستان، حکومت مرکزی چیزی جز ژاندارمهای دزد، جنکلیانی مزاحم و باجگیر، ادارات دخانیات چپاولگرو حتی اداره آب و برق که از روستا نشینی که هنوز بسختی معنی آبلوله‌کشی را میدانند، آب‌بها دریافت کرده است، نمی‌باشد. از اینرو اینها با تمام وجود مخالف بازگشت هرگونه سلطه حکومت مرکزی اند، و حال که دست‌آیای حکومت مرکزی از روستاها قطع گردیده است، آنها دیگر مجبور به قربانی کردن تنها مرغ و بوقلمون خانه برای نماینده حکومت مرکزی - ژاندارم - نمی‌باشند، و برای جبران بز خود در حاکمها مجبور به پرداخت ۷ تومان جریمه نیستند و تنها گوی خویش را بجای آنکه با ضرر به حکومت مرکزی عرضه نمایند با سود بیشتری به بازار آزاد

وی نمائند. او محور بود با
دیگران یعنی نج، کومله و فدائیان
ار در سراسر در آمد.
سخ عزالدین و کومله، کدسری
عمده خویش را در افسار بائین سر
خرده بورژوازی، کارگران و دهقانان
تهدیدت میبندد، در مذاکرات از موضع
مسخکمتی برخوردارند. در حقیقت
انتخاب سخ بریاست هیئت نمایندگی
خلق کرد پیروزی نسبی چپ و کومله در
کردستان محسوب میگردد.

نیروی دیگر سازمان جریکهای فدائی
خلق - ناخه کردستان، با آنکه در جنگ
اساساً نقش مهمی را به عهده نداشت،
در میز مذاکرات از موقعیت ویژه ای
برخوردار است. شرکت سازمان در
مذاکرات نه بخاطر قدرت معنوی یا
مادی آن در کردستان، بلکه عمدتاً
بخاطر سراسری بودن این سازمان در

ایران است. این موفقیت ویژه
سراسری بودن، هم میتواند در خدمت
تعمیق جنبش کردستان و سراسری شدن
آن در آید و هم با توجه به نوسانات
موجود در مئی رهبری سازمان به تضعیف
موضع چپ منتهی گردد. فدائیان در
کردستان، نمونه بهتری از مئی سیاسی
را در قیاس با رفقایان در تهران
نشان نمیدهند. آنان از کسو ناسع
مرکزیت سیاسی تهران بوده و بدنبال
نوسانات آن حتی از "قیام و انبوع
بیانه امام" (قطعنامه آذر) استقفا
مینمانند و از سوی دیگر بدنبال جو
عمومی چپ مدافع مواضع مترقی تری در
مذاکرات هستند. بهر روشعار "ملح
دمکراتیک" از جانب فدائیان،
شعاری است که هم امکان مبارزه مؤثر
و هم امکان سازش، هر دو در آن نهفته
است. بهر حال بعین آنکه فدائیان
خلق در کردستان، از نقطه نظر کمی و

کیفی، نیروی را تکمیل نمیدهند که
ببایست در "جنگ" و در "ملح"
نقش تعیین کننده ای را بازی نماید.
موضع آنها بسیار آنکه ببایست در
سروسخت جبهه کردستان مؤثر باشد در
سروشخت خود فدائیان - و مثلاً، حسب
ایران - مؤثر است.

سخ کوتاه آنکه در مذاکرات ملح
کردستان، نیروهای اجتماعی و نیروهای
سیاسی بوضوح وزن حقیقی خویش را در
معادلات نشان میدهند و صف بندی نیروها
هر روز دقیقتر میگردد. حیاتیان
موظف است که از موضع چپ نبوده ها -
کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی
شهری و روستایی - و نیروهای سیاسی
آنها حمایت کنند. چپ در جنگ متعهد
بود، در "مذاکرات" نیز متعهد است.
مادر مورد این مسئله با هم سخن خواهیم
گفت.

چگونه رشوه خواری چمران توجیه میشود

شرکت گسترش سکن
سهامی خاص
تهران - زودت خیابان پانزدهم، طبقه ۲۸

شماره ۱۱۳۵۴
تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۱
پوست

اداره محترم نخست وزیری
فسودگاه موز آباد

معتبراً به پروتت جک شماره ۱۶۴۰۸۱ بانسک
بین الطالی ایران به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال در وجه حسنات
آقای دکتر چمران معاون محترم نخست وزیر در امور انقلاب بعد از
مراجعت این جانب به کثیر در تاریخ ۳۰ خرداد ۳ ماه ارسال میگردد.
منافاً به آقای محفلان چمران وکالت داده میشود در صورتیکه از نظر ف
حفاظت قضائی و باادارت به اجابت نامه اینجانب اختیار و با اطلاع گردد و
و در تاریخ حد اکثر مدت یک ماه به تهران مراجعت نماید خود را معرفی
نظام جک فوق را به نفع دولت و عمل نماید.

با تقدیم احترام
علی ابراهیمی

تقلایهای حزب امل

پس از انتشار اسنادی توسط "رهاشی"
دال بر رشوه خواری چمران، دستکاه
توطئه و تحریک بکار افتاد. افساء و
رشوه خواری معمولاً از دو جهت موجب
دردسر رشوه خواران میشود. یکی نسبی
آبروشی ناشی از افساء و دیگری طمع
همکاران. "همکاران عزیز" که
متوجه شده اند طرف بدون دادن سهم
آنان بول کلانی را بچسب زده است در
غالب موارد در دسرهای ایجاد میکنند
که کم از رسوائی اصلی نیست.
در مورد آقای چمران، این دو جهت
نکراتی به سه جهت افزایش یافت.
جهت سوم کوشش و تقلای رفقای هم حزبی